

ویژه فضای مجازی

و نامه های رهبری به جوانان غربی

چکیده

پس از حملات تروریستی در فرانسه، رهبر معظم انقلاب در نخستین نامه خود به جوانان غربی، بر لزوم شناخت مستقیم و بی‌واسطه از دین اسلام تأکید کرده و از آنان خواستند که اجازه ندهند مقامات کشورهای غربی، تروریست‌های تحت استخدام خود را به عنوان نمایندگان اسلام به آنان معرفی کرده، به این بهانه، بر آتش اسلام‌هراسی بدمند. در این مقاله، قصد داریم با بررسی دو حادثه تروریستی صورت گرفته در اروپا و آمریکا، نشان دهیم همان طور که رهبر معظم انقلاب بیان کردند، میان این گونه حملات و ایجاد اسلام‌هراسی، نوعی همبستگی وجود دارد. تمرکز اصلی مقاله حاضر، بر نشان دادن همبستگی میان وقوع حملات تروریستی و ایجاد اسلام‌هراسی در فضای مجازی است.

کلید واژگان: اسلام‌هراسی، فضای مجازی، حملات تروریستی، نامه رهبر معظم انقلاب، جوانان غربی.

حملات تروریستی و اسلام‌هراسی در فضای مجازی



هادی رضازاده *

hrezazadeh@noornet.net

مقدمه

رهبر معظم انقلاب، حضرت آیت‌الله خامنه‌ای (مد ظله العالی) در اولین نامه خود (۱۳۹۳/۱۱/۱) به جوانان در اروپا و آمریکای شمالی، نسبت به توطئه خطرناک ایجاد هراس در سایه ناامنی و گسترش تروریسم و سپس متهم کردن مسلمانان به انجام این اعمال خشونت‌بار، هشدار داده، جوانان را که از اندیشه‌ای کاوشگر و وجدانی بیدار برخوردارند، مورد خطاب قرار داده، در قسمتی از نامه فرموده‌اند:

«سخن با شما در باره اسلام است و به طور خاص، در باره تصویر و چهره‌ای که از اسلام به شما ارائه می‌گردد. از دو دهه پیش به این سو، یعنی تقریباً پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی، تلاش‌های زیادی صورت گرفته است تا این دین بزرگ در جایگاه دشمنی ترسناک نشانده شود. تحریک احساس رعب و نفرت و بهره‌گیری از آن، متأسفانه سابقه‌ای طولانی در تاریخ سیاسی غرب دارد. من در اینجا نمی‌خواهم به هراس‌های گوناگونی که تا کنون به ملت‌های غربی القا شده است، بپردازم...؛ بلکه می‌گویم اجازه ندهید ریاکارانه تروریست‌های تحت استخدام خود را به عنوان نمایندگان اسلام به شما معرفی کنند. اسلام را از طریق منابع اصیل و مأخذ دست‌اول آن بشناسید و با اسلام از طریق قرآن و زندگی پیامبر بزرگ آن (صلی الله علیه وآله وسلم) آشنا شوید. ... من از شما می‌خواهم اجازه ندهید با چهره‌پردازی‌های موهن و سخیف، بین شما و واقعیت سدّ عاطفی و احساسی ایجاد کنند و امکان داوری بی‌طرفانه را از شما سلب کنند. امروز که ابزارهای ارتباطی مرزهای جغرافیایی را شکسته است، اجازه ندهید شما را در مرزهای ساختگی و ذهنی محصور کنند...»

متن این نامه آنقدر پرمحتوا و پیوسته است که انتخاب بخشی از آن دشوار می‌نماید. در این نوشتار، تنها قسمتی از نامه مذکور را که با گزارش این مقاله متناسب است، نقل می‌کنیم.

تحقیقات اخیر نشان داده‌اند که ایجاد، شدت و میزان حملات اسلام‌هراسانه در کوتاه‌مدت، با وقوع یک یا مجموعه‌ای از حوادث در ارتباط هستند. محققان به طور ویژه حوادث تروریستی را به عنوان یکی از مهم‌ترین عوامل ایجاد شکل‌گیری احساسات اسلام‌هراسانه و وقوع تنش و ایجاد فضای مناسب برای گسترش عقاید خصومت‌آمیز و شکل‌گیری سلسله‌ای از اقدامات خشونت‌بار قلمداد می‌کنند. این اقدامات، نسبت به گروه‌هایی صورت می‌گیرند که در ظاهر عقاید مشابهی با تروریست‌ها دارند. کینگ و ساتن (King and Sutton) سه نوع رویداد مختلف را که یکی از آنها حملات تروریستی است، بررسی کرده، به این نتیجه رسیدند که وقوع پاره‌ای از حوادث خاص می‌تواند حملات نشئت‌گرفته از نفرت نسبت به یک گروه خاص را (Hate Crimes) در جامعه افزایش دهند (King and Sutton, 2014, 871-894). هینز و مچن (Hanes and Machin) نیز به صورت تجربی نشان داده‌اند که پس از حوادث تروریستی یازده سپتامبر ۲۰۰۱ آمریکا و هفتم جولای ۲۰۰۵ انگلیس، حملات اسلام‌هراسانه و تبعیض علیه مسلمانان در این دو کشور افزایش داشته و به این ترتیب، بر وجود ارتباط میان حملات تروریستی و افزایش اسلام‌هراسی صحه گذارده‌اند (2014, 267-247, Hanes and Machin).

با وجود آنکه محققان علوم اجتماعی تحقیقات گسترده‌ای نسبت به چگونگی شکل‌گیری، مدت، دامنه و تشدید اسلام‌هراسی در جامعه صورت داده‌اند و به نتایج مهمی نیز دست یافته‌اند، اما تحقیقات اندکی روی موضوع اسلام‌هراسی در فضای مجازی صورت گرفته است. لوین (Levin) در مقاله‌ای به بررسی چگونگی استفاده گروه‌های افراطی و راست‌گرای آمریکایی از شبکه‌های رایانه‌ای در این کشور پرداخته است؛ ولی اسلام‌هراسی موضوع اصلی مقاله وی را تشکیل نمی‌دهد (Levin, 2002, 988-958).

با وجود آنکه نشانه‌هایی از اسلام‌هراسی از همان آغازین روزهای تولد اینترنت دیده شده، اما این موضوع به تازگی به عنوان یک مشکل اجتماعی که نیاز به بررسی دارد، شناخته شده است. به دنبال

وقوع حوادث تروریستی در فرانسه، آیت‌الله خامنه‌ای، رهبر معظم انقلاب در نامه‌ای به جوانان غربی از تروریست‌های تحت استخدام مقامات کشورهای غربی سخن گفته، به این نکته اشاره کرده بودند که وقوع حملات تروریستی از سوی چنین افرادی، به ایجاد اسلام‌هراسی و آنچه ایشان پروژه «تحقیق و ایجاد نفرت و ترس موهوم از دیگری» از سوی دولتمردان غربی خواندند، کمک می‌کند. مقاله حاضر با بررسی دو حادثه تروریستی صورت‌گرفته در قاره‌های اروپا (انگلیس) و آمریکا (ایالات متحده آمریکا) نشان می‌دهد که میان حملات تروریستی و ایجاد پدیده اسلام‌هراسی در فضای مجازی، نوعی همبستگی وجود دارد و اقدامات تروریست‌های به‌ظاهر مسلمانی که به استخدام دولتمردان غربی درآمده‌اند، نتیجه‌ای جز پیشبرد اهداف دشمنان اسلام و مسلمانان ندارد.

اسلام‌هراسی و پیامدهای آن

اسلام‌هراسی که در زبان انگلیسی Islamophobia خوانده می‌شود، از ترکیب دو کلمه Islam و phobia به معنای ترس یا بی‌زاری نامعقول از چیزی تشکیل شده است. اسلام‌هراسی، ترسی واهی در میان سیاستمداران و افراد عادی است؛ مبنی بر اینکه دنیای اسلام به طور عام و مسلمانان مقیم کشورهای غربی به طور خاص، منشأ تهدید و خطر برای مردم، فرهنگ و تمدن غربی تلقی می‌شوند. این ترس نامعقول و واهی از اسلام و مسلمانان، به ناشکیبایی ضد مسلمانان کشورهای غربی دامن زده است (سید امامی و حسینی فائق، ۱۰۱، ۱۳۹۰). البته باید توجه داشت که اگرچه کاربرد این واژه به چند دهه اخیر باز می‌گردد، ولی بحث اسلام‌هراسی پیشینه‌ای تاریخی دارد و در پس زمینه آن، علل مختلف تاریخی، فرهنگی، مذهبی، سیاسی و روان‌شناختی وجود دارد.

به طور کلی، اسلام‌هراسی بر این مطلب دلالت دارد که اسلام هیچ اشتراکی با دیگر مذاهب و فرهنگ‌ها ندارد؛ بلکه یک دین خشونت‌بار، متحجر و نابردبار است و تمدن اسلامی نسبت به تمدن غربی در درجه پایین‌تری قرار دارد. بر این اساس، مسلمانان همواره تهدیدکننده ارزش‌های ملی و فرهنگ غربی معرفی می‌شوند (سید امامی و حسینی فائق، ۱۰۲، ۱۳۹۰). شکل‌گیری فضای ضد اسلام و مسلمانان در کشورهای غربی که توسط احزاب راست افراطی و رسانه‌ها تقویت می‌گردد، منجر به سخت‌شدن شرایط زندگی برای مسلمانان می‌شود و بدیهی است که این فضا زمینه را برای اعمال پیش‌دواری و تبعیض ضد مسلمانان بیشتر می‌کند.

در مجموع، می‌توان گفت که اسلام‌هراسی، واژه‌ای با اشکال بسیار متفاوت است و برآیند همه اشکال و پیامدهای آن، اعمال پیش‌دواری و تبعیض ضد مسلمانان، تجاوز به حقوق آنان، برخورد فیزیکی، توهین لفظی، بی‌حرمتی به مقدسات، تبعیض سازمان‌یافته و نادیده‌انگاری و بیگانه‌انگاری مسلمانان است.

اسلام‌هراسی در فضای مجازی

اینترنت، به افراد امکان می‌دهد که یک هویت جدید و ناشناس کسب کرده، نظارت‌های سنتی را پشت سر گذاشته، دیدگاه‌های خود را به شکل آزادانه‌ای با میلیون‌ها نفر دیگر در سراسر دنیا به اشتراک بگذارند. پیام‌های حاوی اسلام‌هراسی می‌توانند به وسیله کاربرانی با هویت ناشناس یا با استفاده از یک هویت جعلی ارسال گردد و به این ترتیب، شناسایی مجرم مشکل‌تر شود. ناشناس بودن مجرم در موارد اسلام‌هراسی در فضای مجازی، فوق‌العاده خطرناک است؛ چرا که هر کس می‌تواند از این موقعیت سوء استفاده کند؛ ضمن اینکه مطالب منتشرشده در فضای مجازی، راه را برای خشونت علیه مسلمانان در فضای واقعی نیز باز می‌کند. (Awan and Zempi, 2015, 26)

بررسی مورد نخست: کشتار «سن برناردینو»

در تاریخ دوم دسامبر ۲۰۱۵ میلادی در یک تیراندازی در شهر سن برناردینو واقع در ایالت کالیفرنیا

آمریکا، ۱۴ نفر کشته و ۲۱ تن نیز مجروح شدند و دو مهاجم نیز در تیراندازی پلیس کشته شدند. تیراندازان، محل مهمانی کارمندان بخش بهداشت عمومی شهرستان سن برناردینو را که در تالار کنفرانس برگزار شده بود، هدف قرار داده بودند.

مهاجمان این حادثه، سید رضوان فاروق ۲۸ ساله و همسر ۲۷ ساله‌اش تشفین مالک بودند. سید رضوان فاروق از پدر و مادر پاکستانی در آمریکا متولد شده و تشفین مالک نیز در پاکستان به دنیا آمده بود؛ اما بیشتر عمر خود را در عربستان سعودی سپری کرده بود. وی در ماه ژوئیه ۲۰۱۴ میلادی با ویزای نامزدی وارد آمریکا شد و با فاروق ازدواج کرد. سید رضوان فاروق به عنوان بازرس مسئول رسیدگی به رستوران‌ها در سازمان بهداشت بخش سن برناردینو کار می‌کرد و به گفته مقامات امنیتی آمریکا، از طریق شبکه‌های اجتماعی با تروریست‌های به‌ظاهر مسلمان در سوریه و عربستان، ارتباط داشته است. اینک به این پرسش پاسخ می‌دهیم که کشتار «سن برناردینو» چه تأثیری بر گسترش اسلام‌هراسی در فضای مجازی آمریکا گذاشت؟

سولتاس و استفن دیویدوویتز (SOLTAS and STEPHENS-DAVIDOWITZ)، در یک مقاله مشترک به نام «افزایش جست‌وجوی نفرت در اینترنت» (The Rise of Hate Search) که در روزنامه نیویورک تایمز منتشر شد، با استفاده از عباراتی که در گوگل جست‌وجو شده‌اند، گسترش احساسات اسلام‌هراسانه در فضای مجازی در آمریکا را پس از کشتار «سن برناردینو» اندازه‌گیری کردند. به در ادامه، به بیان مهم‌ترین نکات این مقاله (SOLTAS and STEPHENS-DAVIDOWITZ 2015) می‌پردازیم. آنان به این نتیجه «ترسناک» رسیدند که اگر مدلی که به آن دست یافته‌اند، درست باشد، اسلام‌هراسی در بالاترین میزان خود پس از حوادث یازده سپتامبر است.

چند ساعت پس از این حادثه تروریستی و دقیقی پس از آنکه رسانه‌ها گزارش دادند که حداقل یکی از تروریست‌ها نامی شبیه به اسامی مسلمانان دارد، تعداد بسیاری از مردم کالیفرنیا تصمیم خود را گرفته بودند که قصد دارند مسلمانان را بکشند. بیشترین جست‌وجوی صورت‌گرفته در گوگل در ایالت کالیفرنیا که کلمه «مسلمانان» در آن وجود داشت، «کشتن مسلمانان» بود. در بقیه نقاط آمریکا نیز «کشتن مسلمانان»، یکی از عباراتی بود که بیشترین جست‌وجو در گوگل برای آن صورت گرفته بود. مردم گاهی اوقات افکار شریانه‌ای در ذهن دارند و در پاره‌ای از موارد نیز این افکار را در گوگل به اشتراک می‌گذارند. چگونه؟ با جست‌وجوی عباراتی که در گوگل وارد می‌کنند. بیشتر کاربران به گوگل به عنوان منبعی نگاه می‌کنند که می‌توانند با استفاده از آن اطلاعاتی را در مورد مسائل مختلف جست‌وجو کنند؛ اما همین کاربران در غالب موارد، افکار سانسورنشده خود را در حقیقت در گوگل تایپ می‌کنند و به این ترتیب، پنجره جست‌وجوی گوگل را می‌توان به عنوان نوعی اعتراف‌نامه در نظر گرفت. هر ساله هزاران عبارت در گوگل جست‌وجو می‌شوند؛ عباراتی نظیر: «من از رییس خودم متنفرم» و «مردم کسل‌کننده هستند». در حقیقت، جست‌وجوهای صورت‌گرفته در گوگل، بیش از هر چیز دیگری نشان‌دهنده احساسات انسان‌ها هستند.

به گفته سولتاس و استفن دیویدوویتز، جست‌وجوهای حاوی کلمات اسلام‌هراسانه در گوگل در ایالات متحده آمریکا پس از حملات تروریستی در پاریس، ۱۰ برابر بیش از هفته قبل از این حملات بوده است. به گفته آنان، در مورد حادثه «سن برناردینو» نیز همین اتفاق تکرار شد و جست‌وجوی کلمات اسلام‌هراسانه در گوگل افزایش یافت. در ماه نوامبر سال ۲۰۱۵ میلادی، حدود ۳۶۰۰ مورد جست‌وجو برای عبارت «من از مسلمانان متنفرم» و حدود ۲۴۰۰ مورد جست‌وجو برای عبارت «کشتن مسلمانان» در آمریکا صورت گرفته بود. سولتاس و استفن دیویدوویتز معتقدند که این جست‌وجوها در گوگل، نشان‌دهنده احساسات بخش کوچکی از کسانی هستند که همین احساسات را دارند؛ اما آن را در گوگل مطرح نکردند.

البته نباید محدودیت‌ها و مشکلات چنین تحقیقی را نیز نادیده گرفت. به نظر می‌رسد، تحقیق روی جست‌وجوهای صورت گرفته در گوگل از نوعی «تبعیض در انتخاب» (selection bias) رنج می‌برد؛ محققان به جای آنکه از یک جامعه آماری تصادفی از شهروندان آمریکایی بپرسند که چه احساسی نسبت به مسلمانان دارند، این اطلاعات را تنها از آنانی به دست آورده‌اند که تمایل به جست‌وجو در اینترنت را داشته‌اند.

جست‌وجو برای کسب اطلاعات بیشتر در مورد اسلام و مسلمانان نیز البته پس از حملات تروریستی پاریس و سن برناردینو افزایش یافت؛ اما این افزایش، بسیار کمتر از افزایش صورت گرفته در حیطه اسلام‌هراسی است. در روزهای پس از کشتار سن برناردینو، به‌زای هر آمریکایی که نگران رشد اسلام‌هراسی در کشورش بود، یک آمریکایی دیگر در حال جست‌وجوی عبارت «کشتن مسلمانان» در اینترنت بود. پیش از این حادثه تروریستی، تقریباً ۲۰ درصد از جست‌وجوهای که مردم آمریکا در مورد مسلمانان انجام داده بودند، همراه با عبارات اسلام‌هراسانه بود؛ اما ساعتی پس از کشتار سن برناردینو، بیش از نیمی از تمامی جست‌وجوهای صورت گرفته در مورد مسلمانان، همراه عبارات اسلام‌هراسانه بوده است.

سولتاس و استفن دیویدوویتز (Soltas and Stephens-Davidowitz) در مقاله خود تأکید کرده‌اند که نه تنها اسلام‌هراسی امروزه به بالاترین حد خود در آمریکا رسیده، بلکه تبعیض بر ضد مسلمانان در این کشور بیش از تبعیض علیه تمامی گروه‌های اقلیتی است. آنان جست‌وجوهای انجام شده در اینترنت در مورد گروه‌هایی مانند: سیاه‌پوستان، همجنس‌گرایان، آسیایی‌ها، یهودیان، مکزیکی‌ها و مسیحیان را بررسی کرده، با جست‌وجوهای صورت گرفته در مورد مسلمانان مقایسه نمودند و به این نتیجه رسیدند که از سال ۲۰۰۴ میلادی که گوگل آرشیو با جزئیات کامل از میزان جست‌وجوهای کاربران در این موتور جست‌وجو را بایگانی می‌کند، جست‌وجوی کلمات اهانت‌آمیز و تبعیضانه علیه مسلمانان در اینترنت، بیش از سایر گروه‌های اقلیتی است.

تحلیل جست‌وجوهای صورت گرفته در گوگل، همچنین نشان می‌دهد که دیدگاه مردم آمریکا نسبت به مسلمانان به سرعت و تنها چند دقیقه پس از حملات تروریستی تغییر می‌کند؛ پیش از حملات پاریس، ۶۰ درصد از جست‌وجوهای مردم آمریکا در اینترنت در مورد پناهجویان سوری، دیدگاه مثبتی نسبت به آنان داشت و حاوی کلماتی مانند: «کمک»، «داوطلب» یا «یاری‌رساندن» بود. ۴۰ درصد دیگر از مردم آمریکا در همین زمان، دیدگاه منفی نسبت به پناهجویان سوری داشته، نسبت به تهدیدات امنیتی حضور آنان مشکوک بودند. این در حالی است که پس از حملات پاریس، درصد افرادی که مخالف حضور پناهجویان سوری در آمریکا بودند، به ۸۰ درصد افزایش یافت.

جست‌وجوی انجام شده در اینترنت در مورد «مسجد» نیز وضعیت مشابهی دارد. در بیشتر سال‌های دهه گذشته میلادی، معمول جست‌وجوهای اینترنتی در مورد «مسجد» نشان‌دهنده کنجکاوی فرهنگی مردم آمریکا بوده، حاوی عباراتی نظیر: «مسجد چیست؟» و «مسجد به چه معناست؟» و «مسلمانان چه زمانی به مسجد می‌روند» بود؛ اما بلافاصله پس از کشتار سن برناردینو، جست‌وجوهای کاربران در اینترنت در مورد چگونگی بستن و تعطیل کردن مساجد، به یک ششم از جست‌وجوهای اینترنتی آمریکایی‌ها در مورد مسجد تبدیل شد.

یکی از راه‌هایی که برای جلوگیری از گسترش اسلام‌هراسی پیشنهاد می‌شود، آن است که رهبران کشورهای غربی با مردم خویش از اهمیت تساهل و غیرعقلانی بودن نفرت بی‌اساس، سخن بگویند. باراک اوباما، رییس‌جمهور آمریکا، در یکی از سخنرانی‌های خود پس از کشتار سن برناردینو، از آمریکایی‌ها خواست که تبعیض مذهبی علیه پناهجویان را کنار بگذارند. بررسی تأثیرات سخنرانی

وی بر گسترش اسلام‌هراسی در فضای مجازی به‌خوبی نشان می‌دهد که برای مبارزه با پدیده اسلام‌هراسی، چه چیزی جواب می‌دهد و چه چیزی جواب نمی‌دهد.

آمار نشان می‌دهد که سخنرانی اواما هیچ تأثیر مثبتی روی مردم کشورش نداشته است. در مجموع، می‌توان گفت که سخنرانی وی بر گسترش اسلام‌هراسی در فضای مجازی تأثیر مثبت نیز داشته است. اواما در سخنرانی خود گفته بود: «این وظیفه تمامی آمریکایی‌ها با هر دین و مذهبی است که تبعیض علیه پناهجویان مسلمان را کنار بگذارند.» اما جست‌وجوهای اینترنتی که مسلمانان را «تروریست»، «بد»، «مهاجم» و «شیطان» می‌دانستند، در طول سخنرانی اواما و کمی پس از آن، دو برابر شد.

اواما همچنین، در سخنرانی خود گفت: «این وظیفه ماست که تفتیش مذهبی در مورد کسانی را که می‌خواهند وارد این کشور شوند، کنار بگذاریم.» اما جست‌وجوهای اینترنتی منفی در مورد پناهجویان سوری که خواهان ورود به آمریکا بودند، ۶۰ درصد رشد داشته، جست‌وجوهایی که خواهان یافتن راهی برای کمک به پناهجویان سوری بودند نیز ۳۵ درصد کاهش یافت. رییس جمهور آمریکا در سخنرانی خود گفت: «فراموش نکنیم که آزادی، بسیار قدرتمندتر از ترس است.» این درحالی است که جست‌وجوهای اینترنتی برای عبارت «کشتن مسلمانان»، در طول سخنرانی وی ۳ برابر شد.

البته یک نقطه امید در این میان وجود داشت؛ اواما در سخنرانی خود گفته بود: «مسلمانان آمریکا، دوستان و همسایگان ما هستند، همکاران، قهرمانان ورزشی و سربازان زن و مرد ما هستند که حاضرند برای دفاع از کشور ما کشته شوند.» پس از بیان این جملات بود که برای نخستین بار در بیش از یک سال گذشته در جست‌وجوهای صورت‌گرفته در گوگل، بیشترین کلمه‌ای که پس از «مسلمانان» قرار می‌گرفت، «تروریست»، «تندرو» یا «مهاجران» نبود؛ بلکه کلمات «ورزشکار» و پس از آن «سرباز» بودند که بیش از همه، پس از «مسلمانان» قرار می‌گرفتند؛ حتی کلمه «ورزشکار» به مدت یک روز کامل در صدر کلمات استفاده‌شده به همراه «مسلمانان» قرار داشت.

بنابراین، می‌توان گفت که پاسخ مردم آمریکا به سخنرانی اِراک اواما در فضای مجازی نشان می‌دهد که درخواست صبر و تساهل از یک ملت خشمگین، احتمالاً نتایج عکس به همراه خواهد داشت.

بررسی مورد دوم: قتل سرباز انگلیسی در محله وولویچ شهر لندن

در حادثه دوم، بعدازظهر روز ۲۲ ماه می ۲۰۱۳ میلادی، یک سرباز ارتش انگلیس به نام «لی ریگی» به وسیله مایکل آدبولاگو و مایکل آدبواله در محله وولویچ (Woolwich) در جنوب شرقی لندن مورد حمله قرار گرفت و به قتل رسید. ریگی در زمان حمله، مشغول انجام وظیفه نظامی نبوده، در حال قدم زدن در خیابان ولینگتون بود. قاتلان ابتدا وی را با ماشین زیر گرفته، بعد با استفاده از چاقو و ساطور او را به قتل رساندند. سپس جنازه ریگی را به داخل خیابان کشانده و منتظر شدند تا پلیس به صحنه جنایت برسد. آنها به عابری که از محل عبور می‌کردند، گفتند که این سرباز انگلیسی را کشتند تا انتقام کشتار مسلمانان در عراق و افغانستان به وسیله نظامیان انگلیسی را گرفته باشند. پلیس انگلیس با شلیک به قاتلان آنان را زخمی نمود و سپس به زندان منتقل کرد. آدبولاگو و آدبواله، هر دو از پدر و مادری نیجریه‌ای در انگلیس به دنیا آمده، از مسیحیانی بودند که بعداً مسلمان شدند. دادگاه انگلیس، یکی از قاتلان را به حبس ابد و دیگری را به ۴۵ سال زندان محکوم کرد. آدبولاگو که در سال ۲۰۰۳ میلادی مسلمان شده بود، با گروه‌های تروریستی‌ای نظیر: المهاجرون، القاعده و الشباب مرتبط بود.

اینک به این پرسش پاسخ می‌دهیم که قتل سرباز انگلیسی در محله وولویچ شهر لندن چه تأثیری بر گسترش اسلام‌هراسی در فضای مجازی در انگلیس گذاشت؟

دو تن از محققان دانشگاه کاردیف انگلیس به نام‌های ویلیامز و برنپ (Williams and Burnap)

که یکی جرم‌شناس و دیگری متخصص علوم رایانه‌ای است، در مقاله‌ای که در مجله «جرم‌شناسی» انگلیس منتشر کردند، به بیان تأثیر حادثه قتل سرباز ریگی بر افزایش اسلام‌هراسی در فضای مجازی و به طور ویژه، شبکه اجتماعی توئیتر در انگلیس پرداختند. در ادامه، به بیان مهم‌ترین نکات این مقاله می‌پردازیم (Williams and Burnap, 2015).

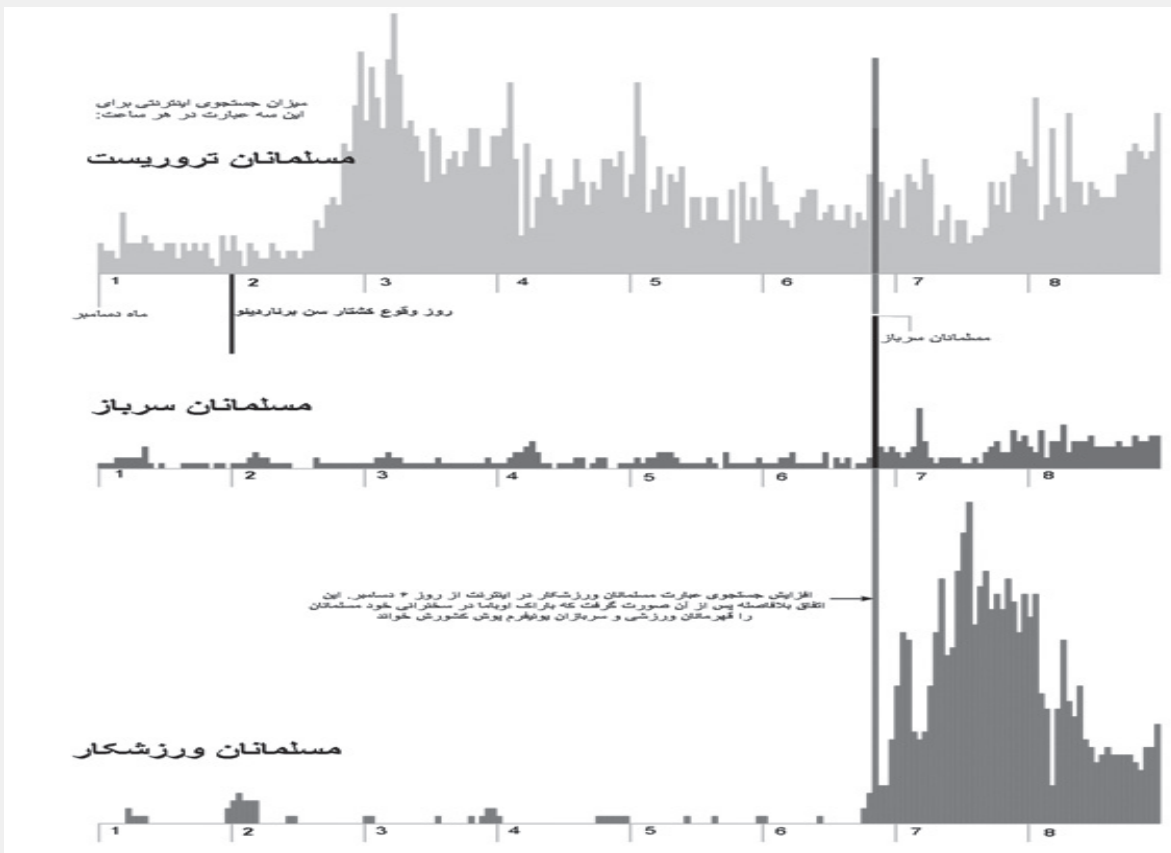
رسانه‌های اجتماعی فراگیر مانند توئیتر، در حال حاضر به وسیله بسیاری از مردمان کشورهای غربی مورد استفاده قرار می‌گیرند و شهروندان این کشورها از این شبکه‌ها برای انتشار واکنش خود به حوادث موجود در دنیای واقعی استفاده می‌کنند. ویلیامز و برناب، حادثه قتل سرباز ریگی را به عنوان یک حادثه تروریستی که می‌توانست منشأ گسترش اسلام‌هراسی در یکی از این شبکه‌های اجتماعی به نام توئیتر باشد، در نظر گرفتند.

ویلیامز و برناب، به نقل از گرین‌والت (Greenawalt) تأکید می‌کنند که مطالب بیان‌شده در فضای مجازی برای آنکه متصف به صفت اسلام‌هراسانه شده و در نتیجه جرم تلقی شوند، باید چهار شرط را دارا باشند: ۱. پاسخی خشونت‌بار به همراه داشته باشند؛ ۲. عمیقاً افرادی را که مخاطب مطلب بیان‌شده هستند، آزرده‌خاطر سازند؛ ۳. مطالب بیان‌شده موجب رنجش خاطر کسانی شوند که این مطالب را می‌شوند؛ ۴. تهمت‌ها و صفت‌هایی که داده می‌شود، تأثیر نامطلوبی روی روابط اجتماعی در یک جامعه بگذارد (Williams and Burnap, 2015, 3).

ویلیامز و برناب، برای بررسی تأثیر حادثه قتل سرباز ریگی بر افزایش اسلام‌هراسی در توئیتر، از روش‌شناسی «جرم‌شناسی رایانه‌ای» (computational criminology) که در علوم اجتماعی رایانه‌ای ریشه دارد، استفاده کردند. آنان داده‌های خود را از میان توئیتهای (پیام‌های توئیتری) منتشرشده در فاصله یک ماه پس از حادثه قتل سرباز ریگی در وولویچ انتخاب کرده و این داده‌ها را از خود توئیتر گرفتند. به گفته این محققان، توئیتر با سایر شبکه‌های اجتماعی نظیر فیس‌بوک متفاوت است؛ چرا که داده‌های منتشرشده به وسیله کاربران به طور آزادانه در اختیار محققان قرار می‌گیرد. توئیتر همچنین، یک شبکه دوستی همگانی دارد و ویلیامز و برناب به همین دلیل، این شبکه اجتماعی را به عنوان یک «انجمن همگانی» دیجیتال در نظر گرفته‌اند که به مکانی برای تبادل آزاد عقاید و ایده‌ها تبدیل شده و نخستین فضا برای شهروندان آنلاین محسوب می‌شود که می‌توانند به طور همگانی واکنش خود را به حوادث مهم نشان دهند (Williams and Burnap, 2015, 8).

علامت هشتگ (#) در میان کاربران توئیتر رایج بوده و به توئیتهای امکان می‌دهد که به یک موضوع قابل جست‌وجو تبدیل شوند. اصطلاح «روند» (trending) نیز برای توضیح هشتگ‌هایی به کار می‌رود که بیش از سایر توئیتهای طرفدار دارند و می‌تواند نشان‌دهنده فراز و فرود بحث‌هایی باشد که حول یک حادثه در جریان هستند. ویلیامز و برناب، داده‌های خود را از طریق برنامه Twit-Interface ter streaming Application Programming و بر اساس زیر نظر گرفتن تغییرات آماری صورت‌گرفته در پرکاربردترین کلمه‌ای که پس از حادثه قتل سرباز ریگی در توئیتر ردوبدل می‌شد، به دست آوردند. این پرکاربردترین کلمه، Woolwich (وولویچ) بود. مجموعه‌ای که در نتیجه اتخاذ این راهبرد به دست آمد، توئیتهایی بود که شامل پرکاربردترین کلمه ذکرشده بود و نمونه‌ای عظیم از تمامی توئیتهایی بود که در مورد این حادثه ردوبدل می‌شد. یکی از شش فرضیه اصلی تحقیق آنان نیز (نخستین فرضیه) این بود که حوادث تروریستی، مانند حادثه قتل سرباز ریگی در محله وولویچ شهر لندن می‌توانند اسلام‌هراسی در فضای مجازی و به‌ویژه توئیتر را به همراه داشته باشند.

از میان ۲۱۰۸۰۷ توئیتی که ۱۵ روز پس از حادثه تروریستی قتل سرباز ریگی در وولویچ در مورد این



حادثه در انگلیس منتشر شد، ۱۸۷۸ توئیت (۱ درصد) از سوی نرم‌افزار خاصی که این دو محقق استفاده کردند، حاوی مطالب اسلام‌هراسانه‌ای نظیر «مسلمانان را از این کشور اخراج کنید» یا «مسلمانان آشغال» بود. ویلیامز و برناپ، به این ترتیب نتیجه می‌گیرند که فرضیه نخست تحقیق آنان اثبات شده و حادثه تروریستی وولویچ را می‌توان به عاملی برای آغاز موج جدیدی از اسلام‌هراسی در فضای مجازی و به طور ویژه، شبکه اجتماعی توئیتر در نظر گرفت. ماهیت این موج جدید اسلام‌هراسی در توئیتر که با بررسی توئیتهای شامل کلمه Woolwich (وولویچ) به اثبات رسید، نشان می‌دهد که قتل سرباز ریگی به عنوان یک محرک برای ایجاد تنش و بروز احساسات اسلام‌هراسانه عمل کرده است.

ممکن است برخی خوانندگان تصور کنند که ۱ درصد از توئیتهای منتشرشده در یک فاصله زمانی خاص شاید ملاک درستی برای اثبات فرضیه مقاله نباشد. خود ویلیامز و برناپ نیز به این نکته اشاره می‌کنند که نمی‌توانند به طور دقیق اعلام کنند که این میزان اسلام‌هراسی در توئیتر که پس از حادثه تروریستی وولویچ مشاهده می‌شود، نسبت به پیش از حادثه از چه میزان افزایشی برخوردار است؛ چرا که توئیتهای پیش از قتل سرباز ریگی را بررسی نکرده‌اند و فرضیه اثبات‌شده آنان این بوده است که حوادث تروریستی می‌توانند باعث به راه انداختن موج جدیدی از اسلام‌هراسی در فضای مجازی، با هر شدت و حدتی شود.

این دو محقق پیشنهاد می‌کنند که توئیتهای پیش از حادثه نیز از شرکت‌های ثالث خریداری شود و بررسی شوند. البته ویلیامز و برناپ تأکید می‌کنند که از آنجا که تعداد بسیاری از توئیتهای حاوی کلمات اسلام‌هراسانه به دلیل شکایت کاربران به وسیله توئیتر و شرکت‌های ثالثی که آنان را خریداری می‌کنند، حذف می‌شوند، میزان اسلام‌هراسی در این شبکه مجازی در زمان پیش از حادثه تروریستی

وولویچ را باید با توجه به این حذفیات در نظر گرفت. البته تحقیق این دو محقق، گرفتار مشکل حذف و سانسور نبود؛ چرا که آنان داده‌های خود را در همان زمان انتشار توئیت‌ها و در زمان واقعی (real time) جمع‌آوری کردند.

در هر صورت، ویلیامز و برناب مدعی هستند که تحقیقات آنان نخستین تحقیق تجربی صورت‌گرفته در مورد تأثیر حملات تروریستی روی افزایش اسلام‌هراسی در فضای مجازی است و تاکنون سابقه نداشته است.

نتیجه‌گیری

در این مقاله، تلاش کردیم نشان دهیم همان طور که رهبر معظم انقلاب در نخستین‌نامه خود به جوانان غربی تأکید کردند اقدامات تروریست‌های به‌ظاهر مسلمان تحت استخدام سران کشورهای غربی، تأثیری جز گسترش اسلام‌هراسی و تقویت پروژه «تحقیر و ایجاد نفرت و ترس موهوم از دیگری» از سوی دولتمردان غربی ندارد. دو حادثه تروریستی بررسی شده که یکی در اروپا (انگلیس) و دیگری در قاره آمریکا (ایالات متحده آمریکا) به وقوع پیوستند، به صورت تجربی این سخن مقام معظم رهبری را تأیید می‌کنند. گسترش سریع اینترنت و شبکه‌های اجتماعی، این امکان را برای محققان علمی مانند جرم‌شناسی به وجود آورده است که از طریق بررسی افکار شهروندان در جست‌وجوهای اینترنتی و پیام‌های ردوبدل شده در شبکه‌های اجتماعی، نگاهی دقیق‌تر به چگونگی شکل‌گیری اسلام‌هراسی پس از حوادث تروریستی‌ای نظیر کشتار سن برناردینو و قتل سرباز انگلیسی در محله وولویچ شهر لندن داشته باشند.

منابع:

۱. سید امامی، کاووس و سید محمدمهدی حسینی فائق. «زمینه‌های رشد اسلام‌هراسی ساختمند در بریتانیا». دانش سیاسی. ۱۴. (۱۳۹۰): ۱۰۱ - ۱۰۲.
2. Awan, Imran and Irene Zempi. "We Fear for our Lives: Offline and Online Experiences of Anti-Muslim Hostility". Birmingham City University. October. (2015): 26.
3. Hanes, E. and Machin, S. "Hate Crime in the Wake of Terror Attacks: Evidence from 7/7 and 9/11". Journal of Contemporary Criminal Justice. 30. (2014): 247-67.
4. King, R. D. and Sutton, G. M. "High Times for Hate Crimes: Explaining the Temporal Clustering of Hate Motivated Offending". Criminology. 51. (2014): 871-94.
5. Levin, B. "Cyberhate: A Legal and Historical Analysis of Extremists' Use of Computer Networks in America". American Behavioral Scientist. 45. (2002): 958-88
6. Soltas, Evan and Seth Stephens-Davidowitz. (2015, 12, 12). "The Rise of Hate Search": http://www.nytimes.com/2015/12/13/opinion/sunday/the-rise-of-hate-search.html?_r=0
7. Williams, Matthew L. and Pete Burnap. "CYBERHATE ON SOCIAL MEDIA IN THE AFTERMATH OF WOOLWICH: A CASE STUDY IN COMPUTATIONAL CRIMINOLOGY AND BIG DATA". British Journal of Criminology. 25 June. (2015): 3-28. ■